

# حقیقت تاریخ قرآن

کلیدواژه‌ها:

قرآن کریم، معجزه، ابلاغ رسالت، جمع و تدوین قرآن، تاریخ قرآن، تاریخ اسلام.

◆ فاطمه دانشمند

## قرآن کریم معجزه محمد(ص)

قرآن مجید، معجزه‌ی جاویدان پیامبر اسلام(ص) و سند حقانیت آیین او تا روز رستاخیز است. آیین اسلام، آیین جاودانی است، زیرا خداوند آیین اسلام را با معجزه‌ای همراه کرده است که به مرور زمان کهنه و فرسوده نشود و پیوسته بسان خورشید، بر تارک اعصار بدرخشد و برای خود هیچ نوع مرز زمانی و مکانی نشناسد تا هر نوع شک و تردید را در تمام اعصار از دل و روان پیروان خود بزدايد [سبحانی، ۱۳۶۰: ۱۲-۱۱].

آری، قرآن کریم معجزه است و دلیل صدق نبوت پیامبر گرامی اسلام(ص). ولی باید بدانیم، ویژگی معجزات پیامبران چه بوده است، و آیا قرآن کریم واجد شرایطی که معجزات دیگر داشته‌اند، بوده است یا خیر.

## ویژگی و شرایط معجزات

معجزه که دلیل صدق ادعای یک پیغمبر و الهی بودن پیام نبی است، باید دارای شرایطی باشد؛ زیرا راه شناسایی انبیای الهی از مدعیان دروغین، اعجاز آنان (ارائه معجزه) است. قرآن کریم می‌فرماید: «حقیق علی ان لا اقول علی

الله الا الحق قد جئتکم ببینه من ربکم...» [اعراف / ۱۰۵]: شایسته است که درباره‌ی خدا جز حق سخنی نگویم و من به سوی شما همراه با نشانه‌ای از جانب پروردگارتان آمده‌ام. این آیه سخن موسی(ع) با بنی اسرائیل است که بینه‌ای از جانب پروردگار به همراه دارد. یا در مورد حضرت عیسی(ع)، قرآن می‌فرماید: «رسولا الی بنی اسرائیل انی قد جئتکم بآیه من ربکم...» [آل عمران / ۴۹]: پیامبری به سوی بنی اسرائیل فرستاده می‌شود (و می‌گوید) من نشانه‌ای از طرف پروردگارتان برای شما آورده‌ام. کوتاه سخن آن که هم قرآن و هم دلیل عقلی، معجزه را دلیل واقعی بر صدق دعوت انبیا می‌دانند.

هرگاه شخصی مدعی مقام پیامبری از جانب خدا باشد، برای اثبات صدق و رسالت خویش باید کاری را انجام دهد که برخلاف نظام عادی جهان باشد و مردم نیز به هنگام معارضه با او، از انجام آن ناتوان باشند. گذشته از این، عمل وی نیز باید مطابق با ادعای او باشد.

۱. معجزه امری خارق العاده است که با اسباب و مسببات عادی جهان سازگار نیست.

۲. معجزه باید مخالف نظام عادی باشد، نه مخالف عقل و منطق.
  ۳. معجزه باید از قلمرو تعلیم و تعلم بیرون باشد.
  ۴. آورنده‌ی معجزه باید مدعی مقام نبوت باشد.
  ۵. آورنده‌ی معجزه باید مردم را به مقابله به مثل دعوت کند و مردم نیز از انجام آن ناتوان باشند.
  ۶. عمل آورنده‌ی معجزه باید مطابق با ادعایش باشد.
- علاوه بر این شرایط که معجزات پیشین نیز داشته‌اند، قرآن کریم تنها کتاب و تنها معجزه‌ای است که در آن وحی و معجزه در هم آمیخته‌اند. معجزه همان وحی است. به عبارت دیگر، وحی که بر نبی اکرم(ص) نازل گشته، همراه با تحدی و معارضه طلبی بوده است. قرآن کریم در آیات تحدی می‌فرماید: «وان کتتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسوره من مثله و ادعوا شهداء کم من دون الله ان کتتم صادقین\* وان لم تفعلوا و لن تفعلوا فاتقوا النار الی و قودها الناس و الحجاره اعدت للکافرین» [بقره / ۲۳ و ۲۴].

قرآن کریم معجزه‌ای است که در قالب الفاظ و آیات بر پیامبر(ص) نازل



و تفهیم شود و اعمال نیز به طور کامل دیده شوند. اگر کسانی از نعمت شنیدن محروم هستند، آن پیام را به صورت نوشتاری عرضه کنیم و یا اگر از نعمت بینایی محروم هستند، پیام را بشنوند و به خاطر بسپارند. دیگر این که اگر سواد خواندن و نوشتن ندارند بتوانند، به حافظه بسپارند. قرآن کریم در این باره خطاب به پیامبر عظیم الشان اسلام می فرماید: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک و ان لم تفعل فما بلغت رسالتہ...» [مائده/ ۶۷].

بدین ترتیب، معجزه و رسالت پیامبر در گرو ابلاغ این پیام و تبلیغ وحی بوده است و اگر به خوبی صورت نمی پذیرفت، رسالت نیز ابلاغ نشده بود.

آیا پیامبر اکرم (ص) این رسالت را به خوبی به انجام رساندند؟ قرآن کریم در سوره ی مائده آیه ی سوم می فرماید: «الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا...» با توجه به این که آیه ی شریفه ۸۴ روز قبل از رحلت پیامبر (ص) نازل شده و روز اکمال دین و اتمام نعمت و درحقیقت اتمام حجت بر مردم است، خداوند حکیم اعلام می دارند که پیامبر (ص) کار رسالت و ابلاغ را به خوبی انجام داده اند و در سایه سار ولایت امر دین کامل شده است. در صورتی که اگر کار ابلاغ هنوز ناتمام مانده بود، حتی فقط در زمینه ی جمع آوری و تألیف قرآن، این عبارت نقض غرض و از خدای علیم و حکیم بعید بود.

سؤالی که باقی می ماند این است آیا اگر در زمینه ی اعجاز و ابلاغ امری باقی مانده باشد، هر شخصی قادر است در این امر مهم، یعنی اعجاز،

بیشتری را از حفظ داشت [ارمیار، ۱۳۸۰: ۲۳۱].

اگر سؤالی پیش می آمد، از حضرت پیامبر (ص) می پرسیدند و پیامبر اکرم (ص) به نحو عملی و قولی، آیات الهی را تبیین و تفسیر می کردند. به این ترتیب، مسلمانان با احکام نیز آشنا می شدند و به آن عمل می کردند.

تبلیغ از چه راه هایی باید انجام گیرد تا شرط ابلاغ کامل شود؟ و آیا پیامبر اسلام (ص) این امر را به طور کامل به انجام رساندند؟ تبلیغ و ارسال پیام باید از راه های محسوس و مربوط به حواس پنج گانه به انسان برسد. مثلاً از طریق شنوایی و یا بینایی که سخن و کلام بیان

گشته و فقط حضرت محمد (ص) کلام را می شنیدند و ایشان بر مردم و مسلمانان تلاوت می فرمودند. عده ای از مسلمانان وحی را از پیامبر اسلام (ص) می شنیدند و حفظ می کردند. عده ای آن را به فرمان پیامبر می نوشتند. عده ای هم تعلیم می دیدند و به دیگران نیز آموزش می دادند. پیامبر خدا هیچ نکته ای را در ترویج قرآن و تشویق صحابه به حفظ و عمل به قرآن، از دید دور نمی داشتند. در «جنگ احد» که می خواستند پیکر شهیدان را به خاک بسپارند، کسی مقدم بود که قرآن بیشتر می دانست. و یا کسی را به حمزه عموی پیامبر نزدیک تر دفن می کردند که آیات

نبی اکرم (ص) را یاری کند؟

در پاسخ باید گفت: طبق روایات و اخبار، «سیره و روش انبیای عظام و همین طور پیامبر اکرم (ص) این بوده که کار ناتمام پیامبر را جانشین و وصی وی انجام می‌داده است. حتی غسل، کفن و دفن و وصیت در این زمینه که مطلب بسیار مهم و خطیری است، لزوماً باید وصی حضرت عهده‌دار این امر مهم بوده باشند.

معروف‌ترین گواه همان است که فریقین به محکم‌ترین سندی نقل کرده‌اند، ایشان فرمودند: «... نزدیک است که پیک حق فرارسد و دعوت حق را اجابت کنم. دو چیز گران بها میان شما می‌گذارم: یکی کتاب خدا که در آن هدایت و نور است و هرکس بدان چنگ بزند، قرین هدایت است و هرکس آن را رها کند، گمراه می‌شود. کتاب خدا را بگیرید و به آن چنگ زنید. و دیگر اهل بیت من. درباره‌ی اهل بیت خدا را به یاد شما می‌آورم [رامیار، ۱۳۸۰: ۲۳]. طبق احادیث و روایات در شأن و منزلت حضرت علی بن ابی طالب (ع) ایشان وصی و جانشین پیامبر (ص) بودند و می‌باید کار ناتمام پیامبر را به پایان می‌رساندند.

روایت مذکور دال بر این مطلب است که پس از رسول خدا (ص) علی (ع) ردا به دوش نگرفت تا این که قرآن را جمع کرد. و نیز در روایتی از امام باقر (ع) نقل شده است که فرمودند: «کسی از مردم نیست که بگوید قرآن را چنان که خداوند نازل فرموده، جمع کرده‌ام، مگر این که دروغ گفته باشد. قرآن را به ترتیب نزول کسی جمع و حفظ نکرد، مگر علی بن ابی طالب (ع) [همان، ص ۲۹۷]. این سخن از اهل بیت آن نبی گرامی (ص) است.

دعوت حضرت پیامبر (ص) دعوتی جهانی بود و به زمان و مکان محدود نمی‌شد. حضرت پیامبر (ص) در زمینه‌ی جهانی شدن و جاوید ماندن قرآن کریم ناچار به مکتوب کردن این پیام بودند. ایشان فرمان این کار را شخصاً صادر کرده بودند در غیر این صورت معجزه‌ی ایشان مطابق با ادعایشان نمی‌شد و از شرایط اعجاز خارج می‌گشت. حال آیا می‌توان تصور آن را داشت که چنین کار عظیمی بدون فرمان نبوی به انجام رسیده باشد؟ [همان، ص ۲۸۰].

### تاریخ قرآن

مطالعه و بررسی کتاب‌هایی که عنوان «تاریخ قرآن» را دارند، نشان می‌دهد که آن چه با عنوان اصطلاحی تاریخ قرآن تألیف و انتشار یافته، کتاب‌هایی هستند که با فهرست نسبتاً مشابه و یکنواخت، به مسئله و مبحث جمع قرآن کریم در زمان پیامبر (ص) و خلفای بعد از ایشان می‌پردازند. فهرست مطالب این کتاب‌ها اکثراً با وحی و نزول آغاز می‌شود و دربردارنده‌ی موضوعاتی است چون: نزول تدریجی، مکی و مدنی بودن آیات قرآن کریم، حفظ و کتابت قرآن، جمع قرآن پس از رحلت پیامبر (ص)، اختلاف قرائات، اختلاف مصاحف و اختلاف روایاتی که در این زمینه وجود دارد.

### تاریخ «تاریخ قرآن»

اصطلاح تاریخ قرآن، اصطلاح نسبتاً جدیدی است که در صد ساله‌ی اخیر رواج یافته است. در نوشته‌های پیشینیان، از این اصطلاح به عنوان «شناخت قرآن» یاد می‌شد. شاید وضع

این اصطلاح از سوی اسلام‌شناسان و قرآن‌شناسان غربی باشد، زیرا پیش از قرن حاضر، در آثاری که قدمادرنه‌ی علوم قرآنی نوشته‌اند، مثل «الاتقان» سیوطی، به اصطلاح و تعبیر «تاریخ قرآن» بر نمی‌خوریم. [خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۵۸].

در دوران جدید، تحقیقات تئودور نولدکه، خاورشناس و اسلام‌شناس مشهور آلمانی، نقطه‌ی عطفی در شناخت و نگارش تاریخ قرآن است. نولدکه اثر معروفش «تاریخ قرآن» را در سال ۱۸۶۰ م. انتشار داد. طبع بعدی کتاب و توزیع گسترده‌ی آن، همت پژوهندگان مسلمان، اعم از شیعه و یا سنی را به حرکت درآورد.

این مطلب بیانگر آن است که کتاب‌های «تاریخ قرآن» که در قرن حاضر نوشته شده‌اند و می‌شوند، درصدد پاسخ‌گویی به شبهاتی بوده‌اند که مستشرقین به مطالب و روایات وارد در تاریخ تدوین قرآن وارد کرده‌اند. و از آن‌جا که اروپاییان این اصطلاح را وضع کرده‌اند، بدون شک چنین وضعی، حتی اگر دارای اغراض خاص نباشد، حاکی از نقطه‌نظر و دیدگاه خاص آنان نسبت به قرآن است و در نتیجه حساسیت‌های موافقانه و مخالفانه‌ای نسبت به آن پدید آمده است [همان، ص ۴۵۹].

شاید به دلیل موضع‌گیری مسلمانان در قبال شبهات مستشرقین است که مؤلفین کتاب‌های «تاریخ قرآن»، در تعریف اصطلاحی خود از قرآن کریم، به «معجزه بودن» آن که این کتاب را از سایر پیام‌های آسمانی متمایز می‌سازد و جنبه‌ی منحصر به فرد بودن قرآن را اعلام می‌دارد، اشاره‌ای نکرده‌اند. برای مثال نوشته‌اند: «قرآن یگانه پیام آسمانی

است که اصالت خود را در طول تاریخ نگه داشته است و راه دراز تاریخ را به سلامت و شایستگی پیموده... [معرفت، ۱۳۸۵ مقدمه] و یا: «کتاب مقدس قرآن، تنها کتابی است که در میان سایر کتاب‌های آسمانی دیگر، تاکنون از هرگونه زیادت و دستبرد مصون مانده... [حجتی، تاریخ قرآن: ۲۷]. و یا این مورد: «حقیقت قرآن عبارت از آیاتی است که رسول خدا (ص) پس از دریافت از ناحیه‌ی خدای تبارک و تعالی آن را بر مردم و حتی کاتبان وحی خوانده و آنان با استماع از پیامبر اسلام آن را نوشته‌اند... [معارف، تاریخ قرآن: ۱۷۱].

این نوشته‌ها نشان می‌دهند، مؤلفین گرامی فقط اضطراب «تحریف قرآن» و یا «تدوین متن وحی» را داشته‌اند. در صورتی که کتابی مزین به نام «تاریخ قرآن»، لازم است از همان ابتدا تعریف جامع و مانعی را ارائه دهد. شاید سؤال شود که تأکید و اصرار ما بر ارائه تعریف چه دلیلی دارد.

پاسخ این است که حذف ویژگی اختصاص قرآن کریم حین تعریف اصطلاحی از این صحیفه‌ی الهی، فی الواقع نادیده گرفتن آیات بسیاری است که در این زمینه نازل شده‌اند و خدشه بر اعتقادات اسلامی است و متعاقب این امر، شبهاتی است که پیاپی بر قرآن وارد شده و خواهد شد. و این آیه‌ی شریفه را تداعی می‌کند که: «وقال الرسول يا رب ان قومي اتخذوا هذا القرآن مهجوراً» [فرقان / ۳۰].

مهجور گذاردن قرآن مراتب بسیار و منازل بی‌شمار دارد که به عده‌ی آن شاید ما متصف باشیم [امام خمینی، آداب نماز: ۱۹۸]. در این جا از میان شبهاتی که اکنون در این گونه کتاب‌ها

مشاهده می‌شود، سه نمونه را ذکر می‌کنیم:

۱. «باری قرآن با هر تعبیری که از آن یاد شود!! عبارت از کلمات و آیات الهی است که از هر جهت اعجاز‌آمیز و بیانی است که از طریق وحی بر پیامبر اسلام (ص) نازل گردیده و در مصاحف و دفاتر گرد آمده...» [حجتی، کتاب تاریخ قرآن: ۲۷].

۲. «تاریخ قرآن: این اصطلاح دو معنی دارد: نخست به عنوان یکی از علوم قرآنی، یعنی علم و مباحث مربوط به توصیف و تحلیل سرگذشت جمع و تدوین قرآن مجید از آغاز تا نزول وحی تا سیر هزار و سیصد چهارصد ساله‌ی کتابت و طبع آن در اعصار جدید، دوم نفس توصیف و تحلیل این سرگذشت که گفته شود، قرآن چگونه قرآن شد؟!» [خرمشاهی، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۴۵۹].

این عبارت در ذهن این موضوع را تداعی می‌کند که گویا قرآن نبود یا حداقل ناقص بود و بعد قرآن شد!!

۳. در کتاب «علوم قرآنی» نوشته شده است: «قرآن در مرحله‌ی تکاملی خود!!» این عبارت دارای مفهوم مخالف است به این معنا که قرآن در زمان پیامبر (ص) به کمال خود نرسیده و بعد از رحلت پیامبر (ص)، مرحله‌ی تکاملی خود را طی کرده است!!

رسم است که به تبعیت از حاکم، جمع قرآن را به سه دوره تقسیم کنند: ۱. عصر نبوی، ۲. زمان ابوبکر، ۳. دوران عثمان [رامیار، تاریخ قرآن: ۲۸۰]. در بررسی این کتاب‌ها به خوبی مشخص است که جمع و تدوین قرآن را که شامل احادیث ضد و نقیض است، به جمع قرآن در زمان ابوبکر، عمر و عثمان نسبت می‌دهند،

با این توجیه که: «... از وقتی این کلام از مصدر جلال و عزتش صادر شده و بر دل پاک پیامبر نقش بسته و از دلب مبارک ایشان به مردم جهان ابلاغ گشته، ابنای بشر با این کلام چه کرده‌اند؟... این تاریخ و سرگذشت کتابی است!! که از لوح محفوظ توسط فرشته‌ای به نام جبرئیل بر پیامبر خدا نازل شده. سرگذشت آن، از لحظه‌ی نزول و یا حتی پیش از آن تا امروز که میان داستان و پیش‌روی ماست...» [همان، ص ۱۰].

«لا یأتیة الباطل من بین یدیة و لا من خلفه تنزیل من حکیم حمید» [فصلت / ۴۲]. با در نظر گرفتن این آیه‌ی شریفه که هیچ باطلی به قرآن راه ندارد، چگونه می‌توان تاریخ سراسر اختلاف و تشتت بعد از رحلت پیامبر (ص) را که از آن با عبارت «مسلمانان با کتاب خداوند چه کرده‌اند؟» یاد کرده‌اند، به قرآن کریم نسبت داد و نام «تاریخ قرآن» بر آن نهاد؟ تاریخ قرآن مسلماً تاریخی است که قرآن کریم قرین پیام آور و حامل خود بوده است. بعد از رحلت حضرت ختمی مرتبت، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله و سلم)، مسلماً این تاریخ قرآن نیست، این عبارت است از: قرآن کریم در تاریخ اسلام.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. سبحانی، جعفر. منشور جاوید قرآن. ۱۳۶۰.
۳. رامیار، محمود. تاریخ قرآن. ۱۳۸۰.
۴. خرمشاهی، بهاء‌الدین. دانشنامه‌ی قرآن و قرآن پژوهشی. (ج ۱).
۵. معرفت، محمدهادی. تاریخ قرآن.
۶. حجتی، محمدباقر. تاریخ قرآن.
۷. معارف، مجید. درآمدی بر تاریخ قرآن.
۸. امام خمینی، روح‌الله. آداب نماز.